هو الابهی - يا من تشرّف بالمثول بين يدی من اضاء وجهه…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٣٩٥

### هو الابهی

يا من تشرّف بالمثول بين يدی من اضاء وجهه من افق التّقديس و تجلّی عليه بانوار بهرت اعين اهل السّموات و الارضين عليک بهآء اللّه. ناله جانسوز بلکه جهانسوز که از هويّت جان و دل برخاسته بود قلوب محترقه و اکباد متفتّته را شعله‌ای تازه و حرقتی بی‌اندازه افزود. قلب حزين به آه و حنين دمساز شد و جگری سوخته با شعله‌ای افروخته همراز گشت ذلک تقدير العزيز العليم. حال اگرچه از مشاهده انوار جمال مهجور شديم به نفحات قدس رياض احديّتش مشغول گرديم و از فيوضات يوم لقا دور مانديم به فيوضات شمس هدايتش که از افق بقا طالع و لائحست مستفيد گرديم. الحمد للّه آن جناب چندی در ساحت اقدس بوديد و عنايات عظيمه و الطاف عميمه‌ اش را مشاهده فرموديد و از خلق و خوی حقّ و روش و سلوک و اطوار و گفتار و رفتار دلجوی او مطّلع و واقف شديد و عظمت و اقتدار الهی را در سجن اعظم ملاحظه نموديد. سررشته به دست آمد. بايد انشاءاللّه و لکم فی رسول اللّه اسوة حسنة خود بر اين اسوه حسنه قيام نموده سائر احبّا را نيز دلالت فرمائيد تا انشاءاللّه روائح طيّبه سلوک اهل اللّه و نفحات بيان منجذبين الی اللّه آفاق امکان را خوشبوی و معطّر نمايد. ع ع

جميع احبّای الهی را به جان و دل مشتاقيم و تکبير ابدع ابهی می‌رسانيم و به کمال تضرّع و ابتهال از فضل و عنايتش ملتمسيم که کلّ را بر امر ثابت و مستقيم و مشرق انوار تأييد و توفيق عظيم فرمايد و محفلی که تشکيل شده است يقين است که ملحوظ عين رحمانيّت است و مشمول توفيقات صمدانيّت. ربّ ايّد هؤلاء علی نشر روائح قدسک و انفاس طيبک فی مشارق ارضک و مغارب مملکتک انّک انت المقتدر العزيز القدير. ع ع